

چگونه دعوی بین بچه ها را کنترل کنیم؟

پدر و مادر نباید از دعوا و درگیری بین بچه ها بترسند. تنها یک جر و بحث شدید می تواند کاری کند که کودک زیر بار زورگویی خواهر یا برادر نرود...



پدر و مادر نباید از دعوا و درگیری بین بچه ها بترسند. تنها یک جر و بحث شدید می تواند کاری کند که کودک زیر بار زورگویی خواهر یا برادر نرود...

تحمل دعوی بچه ها برای اغلب ما کار خیلی سختی است. باور عمومی این است که خانواده موفق خانواده ای است که در آن خواهرها و برادرها زیاد با هم دعوا نکنند. اما این اشتباه است! ما همگی خوب می دانیم که چیزی به نام تفاهم مطلق وجود ندارد. دعوا و درگیری بین بچه ها، نه تنها اجتناب ناپذیر است بلکه مفید نیز هست. پس بهترین رفتار این است که بیذیریم درگیری نیز جزئی از واقعیت زندگی خواهرها و برادرهاست.

کمک به تثبیت شخصیت کودک

چرا این قدر به درگیری های کوچک بین خواهر و برادر بها می دهیم، در حالی که می دانیم وقوع چنین چیزی در هر خانواده ای طبیعی است؟ شاید به این دلیل که ما از فرزندان خود انتظار داریم تا تصویر خانواده آرمانی را بازتاب دهند. به همین دلیل است که از آن ها می خواهیم آرام بگیرند.

رابطه خواهر و برادری جنبه های منفی هم دارد، باید تلاش کنیم تا به آن ها هم توجه کنیم تا راحت تر بتوانیم رقابت هر روزه بین فرزندانمان را تحمل و قبول کنیم. وقتی می بینیم فرزندانمان آسیب دیده، غصه خورده یا رنجیده، متوجه می شویم که ما به عنوان پدر یا مادر قادر نیستیم در برابر تمامی ناملایمات زندگی از کودک خود دفاع کنیم. پدر و مادر قادر نیستند و پذیرفتن این نکته کار آسانی نیست. برای کمک به درک این نکته باید به یاد داشته باشیم که وقتی کودک موفق می شود تا مراحل دردناک زندگی اش را تحمل کند و آن ها را پشت سر بگذارد، در واقع می فهمد که چه قابلیت هایی دارد و می تواند از این طریق، این قابلیت ها را رشد دهد. به عبارت بهتر کودک یاد می گیرد چگونه قوی شود.

باید پذیرفت که رابطه خواهر و برادری همیشه بین دو قطب عشق و نفرت در نوسان است. قبول درگیری بین خواهر و برادر بهترین روش برای پشت سر گذاشتن و تبدیل آن به عنصری سازنده است. چارچوب هیچ رابطه دیگری به اندازه چارچوب رابطه خواهر و برادری متغیر نیست. لحظه ای هست که خواهر و برادر، با هم خوب و مهربانند، اما ده دقیقه بعد آسمان به زمین می آید و به جان هم می افتند.

پدر و مادر نباید از دعوا و درگیری بین بچه ها بترسند. تنها یک جر و بحث شدید می تواند کاری کند که کودک زیر بار زورگویی خواهر یا برادر نرود و امتیازاتش را از دست ندهد. دعوا به کودک در راه بزرگ شدن و تثبیت شخصیت کمک می کند. حتی اگر رابطه بین آن ها تیره و تار باشد و نتوانند همدیگر را دوست بدارند نباید تصور کرد که از این لحاظ آسیب می بینند. گاهی اوقات کودک ممکن است بیش تر نیاز داشته باشد از قلمرو و حریم خود دفاع کند، تا این که در فکر جلب محبت خواهر یا برادر باشد. کودک مجبور نیست که خواهر یا برادرش را دوست بدارد اما باید به او احترام بگذارد و از لحاظ جسمی و به ویژه روانی به او آسیب نرساند. نقش والدین در این میان حمایت و مراقبت از هویت جسمی و روحی تک تک فرزندان است. اگر می پرسید که پدر و مادر چگونه می توانند چنین نقشی را عهده دار شوند، در جواب می گویم که باید اجازه دهند تا دعوا رخ دهد، اما مراقب باشند که همیشه یکی از بچه ها حرف خود را به کرسی نشانند. والدین باید توجه کنند که فرایند تحقیر به عادت بدل نشود.

نقش سازنده دعوا و درگیری

یکی از مهم ترین فواید دعوا این است که هر شخصی در دعوا می تواند هم به شناخت بهتری از خود دست یابد و هم اعتماد به نفس بیشتری بیابد، البته مشروط بر آن که همیشه بازنده یا برنده نباشد. به عنوان مثال خواهر یا برادری که اطمینان داشت در دعوا برنده خواهد شد، ناگهان مجبور شود جا بزند و می فهمد که همیشه نمی تواند برنده میدان باشد. فردی هم که همیشه بازنده بوده به ناگاه درمی یابد که با شجاعت تمام مقاومت کرده و قدرت دفاع از خود را دارد. و بی تردید از این تجربه در محیط مدرسه هم استفاده خواهد کرد.

از دیگر مزایای دعا این است که به بچه ها این امکان را می دهد تا استحکام والدین خود را محک بزنند و اطمینان یابند که پدر و مادر تحمل طوفان های کوچک را دارند. آن ها با خود می گویند اگر پدر و مادر بعد از این همه دعا باز هم ما را دوست دارند، پس حتما آدم های قرص و پایدار و استواری هستند.

دعواها عموماً عملکرد و مفهوم خاصی دارند. دعا و درگیری گاهی تنها راهی است که کودک می تواند از طریق آن دردها و ناراحتی اش را عنوان کند. این وظیفه بزرگ ترها است که چنین واکنشی را رمزگشایی کنند.

درگیری همیشه به معنای درخواست تغییر شرایط است. درخواست تغییر در مورد کودکان در اغلب اوقات به منظور جلب توجه والدین صورت می گیرد. کودک در ذهن خود می گوید: "خوب یک کمی هم به من نگاه کنید، ببینید چه کارهایی بدم بکنم. آخه من هم آدمم! کمک کنید تا منم بتونم جنبه های خوبم رو نشون بدم".

چه زمانی باید مداخله کرد؟

تردیدی نیست که والدین نباید هر وقت دعوایی رخ داد مداخله کنند، اما برای این که مدام بچه ها با هم دعا نکنند و آسیب نینند و بتوانند از آن درس بگیرند، نیاز دارند تا والدین مداخله کنند.

وقتی خطر خشونت جسمانی وجود دارد نمی توان چشم پوشی کرد. یکی دیگر از موقعیت هایی که ایجاب می کند تا والدین پادرمیانی کنند وقتی است که خشونت کلامی از فحش های رایج بین خواهر برادرها فراتر برود و به تحقیر، بی ارزش کردن و حمله به هویت طرف مقابل بیانجامد. مداخله والدین در شرایط دیگری نیز ازامی است، یعنی وقتی که صحنه دعاها هر روز به یک شکل تکرار می شود و یکی از بچه ها همیشه مغلوب می شود و کتک می خورد.

و در آخر بدانید که آن چه کودک در ارتباط با خواهر و برادرش یاد می گیرد، در آینده و درخارج از چارچوب خانواده، به کارش خواهد آمد.

منبع: کتاب "چرا این بچه ها این قدر با هم دعا می کنند؟" همراه با تغییرات